

سیاست

جست‌وجویی در مفهوم وطن‌پرستی
و زندگی بسیجیان وطن‌پرست

هواخواه توأم ایران

قیام مردم در ۱۵ خرداد

سارا اغانی

دبیر گروه سیاست
Sarah.agheli@gmail.com



وطن‌خواهی
مؤلفه

بسیجی بودن
تلقی می‌شود.

همانگونه که

اکنون و در

زمانه ما امتداد

وطن‌خواهی

بسیجیان در

خیابان‌های

امروز کشور در

نبرد با نامنی

و تجزیه‌طلبی

قابل مشاهده

است. روح‌الله

عجمیان و آرمان

علی‌وردی دو تن

از ده‌ها بسیجی

شهیدی هستند

که پیش از آنکه

کارت بسیج

داشته باشند،

تفکر بسیجی

بودن را با خود

حمل می‌کردند

نه ملی‌گرایی صرفاً یک مفهوم جدید و مولود عصر مدرنیته است و نه بسیجی بودن یک کلمه نوظهور و مولود انقلاب اسلامی. این را تاریخ کشورمان می‌گوید. تاریخ قیام‌های وطن‌پرستانه برای نجات ایران که توأم آن گرفتار استعمار و استبداد بود. بسیجی بودن بیشتر از آنکه مربوط به یک ساختار و تشکیلات پس از انقلاب اسلامی باشد، مربوط به تفکری است که در هر دوره‌ای به فراخور نیاز برای نجات وطن قیام کرده. از تلاش برای بازپس‌گیری بخش‌های سرزمینی در دوره قاجار گرفته توسط عباس میرزا تا تلاش برای به نتیجه رسیدن مشروطه‌خواهی و جلوگیری از انحراف آن با حضور شیخ فضل‌الله نوری و در ادامه مقابله با حضور قوای اشغالگر خارجی توسط میرزا کوچک‌خان جنگلی و رئیس‌علی دلواری به ترتیب در شمال و جنوب ایران.

از حرکت ضد استعماری در منطقه خراسان توسط محمدتقی پسیان و قیام علیه قرارداد ننگین ۱۹۱۹ توسط محمد خیابانی تا مبارزه با سلطنت پهلوی اول در کسوت نمایندگی مجلس توسط مدرس. تلاش برای افزودن ظرفیت نیروهای مذهبی برای ملی کردن صنعت نفت، تظاهرات مردمی در خرداد ۴۲، قیام امام خمینی علیه کاپیتولاسیون در پاییز ۴۳، به سرانجام رساندن انقلاب اسلامی پس از دو دهه مبارزه، عبور از سد جنگ تحمیلی و آزاد کردن خرمشهر تا... نمونه‌هایی از قیام‌ها برای میهن است. قیام‌هایی که موتور محرک

آن اغلب در دست نیروهای مذهبی بوده و بر همین اساس است که در دوره‌هایی شاهد تلاش جریان روشنفکری و ضد مذهبی برای جداسازی و ایجاد اختلاف میان نیروهای ملی و مذهبی هستیم تا میهن دوستی منحصر به نیروهای ملی نشان داده شود. از طرف دیگر تلاش می‌شد تا جریان مذهبی، ارتجاعی و هم‌دست استبداد تلقی شود.

برای مثال مخدوش کردن چهره تاریخی شیخ فضل‌الله نوری از سوی جریان روشنفکری، قرار دادن شخصیت او در تقابل با علامه نائینی و همچنین زیر سؤال بردن نقش شیخ در انقلاب مشروطه و همچنین نادیده گرفتن نقش آیت‌الله کاشانی در ملی کردن صنعت نفت در کنار دکتر مصدق و حتی هم‌دست خواندن او با سلطنت در سرنگون کردن دولت ملی و مستقر مصدق، نمونه‌هایی از اقدامات جریان روشنفکری برای ایجاد اختلاف میان جریان ملی مذهبی، بدنام کردن جریان مذهبی و مهم‌تر از همه اینها مذهب‌زدایی از مبارزات وطن‌خواهانه است. در واقع تلاش جریان روشنفکری و ضد مذهبی این است که نشان دهند جریان مذهبی

نسبتی با وطن‌دوستی ندارد و احساساتی همچون ناسیونالیسم و میهن‌دوستی مانند مشروطه خواهی یک امر وارداتی و فرنگی است که تحقق آن نیز باید به پرچم‌داری جریان روشنفکری انجام شود. یکی دیگر از اهداف بلندمدت جریان ضد مذهبی و فرنگی در پس زدن چهره‌های مذهبی و مخصوصاً روحانیون از مبارزات ملی، بیرون کردن آنان از قلمرو سیاست است تا بدین ترتیب، دست مذهب از حوزه سیاست کوتاه و سکولاریسم در ایران متولد شود.

در حالی که در دوره‌هایی از جمله سال ۱۳۳۲ و پس از آنکه آمریکا، دولت ملی دکتر مصدق را از پای درآورد و استبداد به پشتوانه استعمار به مسند قدرت بازگشت، با عقب کشیدن و سرخوردگی نیروهای ملی و حتی حضور کم‌رنگ و محافظه کارانه نهضت آزادی در مبارزه با سلطنت، این نیروهای مذهبی بودند که به میدان نبرد با استبداد و استعمار وارد و پرچم‌دار میهن شدند. نبردی که خرداد ۴۲ بذر آن کاشته شد و بهمن ۵۷ با انقلاب اسلامی به نتیجه رسید.

انقلاب اسلامی طلیعه به میدان آوردن نیروهای مذهبی به نفع ایران بود. جالب آنکه جریان ملی اگرچه انقلاب را همراهی کرد اما پس از وقوع آن در بزنگاه‌هایی همچون تسخیر سفارت آمریکا به‌عنوان لانه جاسوسی که اقدامی بازدارنده برای تکرار نشدن تجربه تلخ کودتای ۲۸ مرداد بود، از همراهی با انقلاب دوم جا ماند. دفاع مقدس دیگر بزنگاهی بود که جریان ملی نتوانست تعلق خاطر خود به وطن را تمام و کمال به نمایش بگذارد. بهانه‌جویی به علت ادامه جنگ پس از آزادی خرمشهر مهم‌ترین دلیل جریان ملی از همراهی نکردن جمهوری اسلامی در بازه زمانی دفاع مقدس بود. در حالی که سیاست تعقیب و تنبیه متجاوز یکی از تکنیک‌های دفاعی است که اگر محقق نشود، معنی دفاع از خاک وطن

نه ملی‌گرایی صرفاً یک مفهوم جدید و مولود عصر مدرنیته است و نه بسیجی بودن یک کلمه نوظهور و مولود انقلاب اسلامی. بسیجی بودن بیشتر از آنکه مربوط به یک ساختار پس از انقلاب اسلامی باشد، مربوط به تفکری است که در هر دوره‌ای به فراخور نیاز برای نجات وطن قیام کرده

ناقص می‌ماند. نشان به آن نشان که حتی پس از قطعنامه ۵۹۸ رژیم بعث عراق با پشتیبانی از سازمان مجاهدین خلق مجدداً به خاک ایران هجوم آورد و نشان داد قرارداد و قطعنامه‌های بین‌المللی به تنهایی برای کم کردن خطر حمله از سر وطن کفایت نمی‌کند.

به همین جهت است که در طول این سال‌ها و مبارزات گوناگون، جریان مذهبی پررنگ‌تر و توانمندتر در میدان ملی‌گرایی حاضر شده و ادامه داده است. وطن‌خواهی مؤلفه بسیجی بودن تلقی می‌شود. همانگونه

که اکنون و در زمانه ما امتداد وطن‌خواهی بسیجیان در خیابان‌های امروز کشور در نبرد با ناامنی و تجزیه‌طلبی قابل مشاهده است. روح‌الله عجمیان و آرمان علی‌وردی دو تن از ده‌ها بسیجی شهیدی هستند که پیش از آنکه کارت بسیج داشته باشند، تفکر بسیجی بودن را با خود حمل می‌کردند. تفکری که ایران را برقرار و باثبات طلب می‌کند و برای دستیابی به این هدف از خود می‌گذرد.

بازخوانی نمونه‌های این چنینی، گستره تفکر بسیجی و نسبت آن با وطن‌خواهی را چه پیش از انقلاب اسلامی و چه پس از آن بیشتر روشن می‌کند. موضوعی که در دو ماه گذشته و در جریان اغتشاشات، تجلی عینی آن را دیدیم و در هفته گذشته مورد تأکید رهبر انقلاب در دیدار با بسیجیان نیز قرار گرفت. میرزا کوچک‌خان جنگلی، رئیس‌علی دلواری، محمد خیابانی، محمدتقی پسیان چند نمونه از شخصیت‌های بسیجی بودند که پیش از تولد رسمی و سازمانی بسیج، بسیجی بودن را با هواخواهی از ایران متجلی کردند. بر همین اساس در این شماره در زندگی سیاسی و مبارزاتی این شخصیت‌های بسیجی به‌عنوان صف اول وطن‌پرستی کندوکاوی کردیم.



شهید آرمان علی‌وردی



شهید روح‌الله عجمیان